

مجلس خبرگان واقعی اینطور تشکیل میشود

از پیروزی قیام پرشکوهِ بهمن ماه تا کنون مدت زیادی نگذشته است. ولی در همین مدت کوتاه کارنامه ای که دولت موقت و همدستان وی بدست داده اند، ما هیت آنها را بخوبی رو کرده است. در این مدت هیئت حاکمه نشان داده که چگونه با کارگران برخورد می کند، چگونه با دهقانان رفتار می نماید و چه سیاست هایی برای باسما ل کردن حقوق خلقهای ایران در پیش گرفته است و... یکی از مواردی که بخوبی ما هیت، دولت و همدستان وی را افشا می سازد چگونگی سیاستی است که در مورد مجلس مؤسسان پیش گرفته اند.

وعده های که زیر پا گذاشته شد

رهبری جنبش بلایان ملت پس از ورود به ایران، قول تشکیل مجلس مؤسسان را داد. ولی چه شد که پس از بدست گرفتن قدرت و پس از اینکه میوه درخت انقلاب را که با خون دهها هزار شهید آبیاری شده بود، کسانی چون همین آقای بازرگان چیدند، آقای بازرگان مشروطه طلب که حاضر بود حتی با دکتر امینی نوکر خلقه بگوش آمریکا نیز همکاری نماید. آنها در آبانماه سال ۵۷ آنها زمانی که خون جوانان، زنان و مردان آزاده ما میدان های شیدا و... را رنگین کرده بود (مراجعه کنید به مباحثه ایشان در ایران پست آبانماه). آری چه شد پس از اینکه کسانی چون ایشان قدرت را بدست گرفتند بگیا ره قول و قرار مجلس مؤسسان فراموش شد؟ و جای آنها "مجلس خبرگان" گرفت؟ کسانی که "مجلس خبرگان" را به مردم ما تحمیل کردند چگونه پاسخ خلق را می دهند؟ چرا و بطور می شود که هفتاد و سه نفر "خبره" برای ملتی قانون اساسی تدوین می کنند درحالی که در پیش نویس همین قانون تعداد افراد مجلس شورای (آینده) چندین برابر افراد "مجلس خبرگان" پیش بینی شده است؟

میگویند مملکتی قانون نمی چرخد. شما که چپ و راست قانون تصویب می کنید و اجرا می کنید نمی توانید بنیاد اعدا را بکنید. میگویند اگر تعداد نمایندگان مجلس مؤسسان زیاد باشد وقت زیادی برای رسیدن به نتایج مشخص، لازم است؟ این دیگر مسخره است. این دیگر فریبکاری است. آیا در اینجا مقدرات و ضمانت آزادی و استقلال خلقی ما مطرح است یا سرهم بندی کردن چیزی بنام قانون اساسی؟ قانون اساسی اگر برای تعیین آزادی و استقلال مردم مستعدده است با استقلال و چندین ماه هم طول بکشد، مگر مردم ما دهها سال در زیر فشار و غفلان و کتبخه و کشتار و رژیم وابسته پهلوی قرار نداشته اند؟ و مگر امروز آنها مبارزه نکرده اند که به آزادی و استقلال واقعی خود برسند؟ اگر چنینی است پس چه ترسی از طول کشیدن تصویب یک قانون اساسی که به نفع آنها باشد وجود دارد؟ مگر اینکه مقاصد خاصی در بین باشد. و همین طور هم هست.

قصدی که "انقلابی" های بعد از قیام | و انحصار طلبان و کسانی که قدرت را در دست دارند، اینست که آزادی و استقلال واقعی خلق بدست نیاید. آنها با ملحدان و وابسته با آمریکا در همه زمینه ها ادامه می یابند، به دکتور سزایی ها و امیرانتظام ها و بازرگان ها و... که کشید که چگونه بارها و بارها سعی کرده اند توجیه مردم را از دین اصلی خود برگردانند و بنام مردم چنین وانمود می کنند که این قراردادها به نفع آنهاست... چگونه اکثر قراردادهای غاشنه را نه فقط افشا نکرده اند، نه فقط لغو نکرده اند بلکه از طرف آمریکا آنها را برای مردم ما توجیه هم می کنند! به تلویزیون قطب زاده نگاه کنید که چگونه مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما را کم اهمیت جلوه می دهد، و چگونه هنوز قبلیه های آمریکائی را بخورد مردم می دهد و چگونه با منحرف ساختن ذهن مردم به سنت دشمن خیالی اشکارا به خلق خیانت می کند.

چرا چنین می شود؟ برای اینکه در رأس قدرت بورژوازی نشسته است. و رهبران منزحل را هم چنین دنبال خود می کشاند. بورژوازی برنامه خودش را می ریزد و بعد از رهبران مورد اعتماد مردم می خواهد که شونده را را تشویق به پیروزی از آن برنامها بکنند، و آنها نیز اینکار را گام با چانه زدن و گام بسدن و چانه زدن می پذیرند... پس زمانی که این اصل می شود که مردم به آزادی و استقلال واقعی خود ترسند لازم می آید که مجلس مؤسسان



شماره ۱۵
۱۷ مرداد ۵۸

آیا اینست معنی آزادی؟

کاری که برخی از کمینه ها میکنند چه تفاوتی با کار شکنجه گران ساواک دارد؟

در یک هفته ای که تبلیغات انتخاباتی صورت میگرفت دست پرورده ها، انحصار طلبان مذهبی و محافل مرتجع بطور سیستماتیک و در سطح بسیار وسیعی اطلاعیه ها و اعلامیه های گروه های انقلابی و مارکسیست-لنینیست را پاره کرده و جوخه اختناق شدید برای نیروهای مترقی و توده های آگاه خلق بوجود آورده اند. دولت سرمایه - داری با قلبی شاد نظاره گر این حوادث بود. و در حالی که تعهد کرده بود فضای آزاد برای انتخابات وجود داشته باشد، نه فقط هیچ اقدامی برای جلوگیری از این اقدامات بعمل نیامد (بهتر بگویم نمی توانست هم بوجود آورد) بلکه کمته ها آشکارا هواداران نیروهای انقلابی و م. ل را که در حال پخش و یا چسباندن اعلامیه های تبلیغاتی بودند، دستگیر و آنها را مورد اهانت و ضرب و شتم قرار داده اند و گاه با این رفتار چنان رفتار کرده اند که روی ساواک را سفید می کند! دولت موقت و صاحبان قدرت در مقابل این - بیدادگرها چه پاسخی برای خلق دارند؟ آیا باز هم می خواهند بهانه بیاورند که مراکز قدرت زیاد است؟ حالا که دیگر کمته ها بطور مستقیم تحت نظر آقای صباغیان وزیر کشور قرار دارد چه بهانه ای دارند؟ آیا باز هم دولت می تواند مردم را با این عنوان فریب دهد که اعمال شد دگرگون شد؟ ضد انقلابی کمته ها به او ربطی ندارد؟ تا هیچوقت از این دولت انتظاری جز این که می کنند نداشته ام اما اجازه دستگیر شدن، د. ک. با بند بازی مردم ناآگاه را فریب دهد.

در زیر به نمونه هایی از این اعمال آزادی کش کمته ها و باند های معلوم مردم مستعدده است با استقلال و چندین ماه هم طول بکشد، مگر مردم ما دهها سال در زیر فشار و غفلان و کتبخه و کشتار و رژیم وابسته پهلوی قرار نداشته اند؟ و مگر امروز آنها مبارزه نکرده اند که به آزادی و استقلال واقعی خود برسند؟ اگر چنینی است پس چه ترسی از طول کشیدن تصویب یک قانون اساسی که به نفع آنها باشد وجود دارد؟ مگر اینکه مقاصد خاصی در بین باشد. و همین طور هم هست.

روز یکشنبه ۷ مرداد ماه ساعت ۴ بعد از ظهر سه تن از دانشجویان دختر در حین پخش اعلامیه مربوط به فعالیت های انتخاباتی ۷ گروه انقلابی در زورآباد کرج توسط ما موران کمینه دستگیر شدند. ما موران کمینه با رفتاری ناشایست و غیرانسانی بدون هیچ دلیل و

نیز تبدیل به مجلس خبرگان | شود | چرا که اگر یک مجلس مؤسسان واقعی و آزاد تشکیل شود نمایندگان انقلابی و سازش ناپذیر خلق به آنها راه با بند پنه این آقایان روی آب می افتد. آنها در چنین مجالسی پیش توده های مردم افشای می شوند و دیگر به راهی قادر به اعمال نظرات خاص خود نخواهند شد... در "مجلس خبرگان" که افراد محدودی به آنها می روند می توان با اعمال نظر از راه بافتن نمایندگان آگاه آگاه و سازش ناپذیر خلق جلوگیری کرد ولی در مجلس مؤسسان اینکار عملی نیست. بنا بر این مجلس خبرگان تشکیل می شود.

داستان "مجلس خبرگان"

البته خود "مجلس خبرگان" ما دستانسی دارد ابتدا دستگرفتن از انحصار طلبان معروف طرح یک مجلس انتصابی سی و چند نفری اعلام شد. بهدیه بود که چنین طرحی ارتجایی تر از آن بود که کسی آنرا قبول کند بنا بر این حرفان را بدون اینکه بر روی مبارک بیاورند پس گرفتند و طرح فعلی را ارائه کردند. گوشه کمته می خواستند نیمی جا همه دستان بیاید و بقول معروف به مرگ گرفتند تا مردم به تبارانی شوند. اما اگر لیبرالهای نظیر آیت الله شریعتداری که طرح مجلس خبرگان انتصابی را رو می کردند، درک داشتند به طرح بعدی راضی شدند. توده های آگاه خلق، نیروهای انقلابی و مارکسیست-لنینیست یک لحظه از افشای ما هیت چنین مجلسی غافل نبودند. و میسندند...

کاندیداهای قدرتمندان

مثلی است معروف که می گوید "با یک دست نمی توان دو هندوانه را برداشت" ولی گوش در مملکت ما اینکار دشنی است، زمانی شاه و دربار چندین و گاه دهها عنوان و القاب را بدک می کشیدند. و امروز نیز کسانی از جانب نیروهای انحصار طلب کاندیدای انتخاباتی شده اند که مسئولیت های متعدد دارند. بسیاری از کسانی که از جانب نیروهای فوق الذکر کاندید شده اند، در شورای انقلاب و با دولت پست و مقام دارند و معلوم نیست که آیا در این مملکت فقط آنها هستند که می - توانند برای مردم تصمیم بگیرند. مسلماً از نظر این گروه همینطور است. و به همین علت آنها از تمام قدرت خود برای پیروزی خود استفاده کردند و کار را به جایش رساندند که حتی مسئول حزب جمهوری اسلامی در تبریز نیز در مقابل وجدانش ترسیده شد و استفاده از اعلام کرد که این روش انتخاباتی بیشتر شبیه روش انتخاباتی رستاخیزی بوده است.

مادر اینجا دیگر از تمام آن شیوه های برنامه - ریزی شده که این آقایان برای پیروزی خود طرح ریزی کرده اند و از تمام آن تقلب ها و اعمال نظرها خنسی به میان نمی آوریم، زیرا که در همین محفلات و گزارشاتی که با کمک فعال دانشجویان مبارز تهیه شد است خواهید دید که چگونه "آزادی" انتخاباتی - ادعایی با کتک و فحش و اهانت همراه بود و انتخابات "درست" ادعایی با تقلب های فراوان. و این همان "مجلس خبرگان" واقعی است که دولت و همدستانش می خواستند با این ترفیع که این تنها گوشه ای است از آنچه تقلب و اعمال نظر و توهین و کتبخه که ما تنها بحال موفق به انتشار آن شده ایم.

ما برای اینکه به آوندهای ستمدیده نشان دهیم که چگونه ما جان قدرت برای انتخاب شدن تلاش کرده‌اند، چگونه به فریب مردم پرداخته‌اند و... در زیربوم برخی از حوزه‌ها را که توسط هواداران و دانشجویان مبارز مشاهده شده است گزارش می‌کنیم:

حوزه هنرستان راه آهن

عموماً افرادی که به این حوزه می‌آمدند بیسواد بودند و وقتی از آنها پرسیده می‌شد که به چه کسانسی رای داده‌اید، جواب می‌دادند: "به آنها شکست" یا "به اسلام فرموده‌اند" و با اینکه "منی دانیم در داخل سالن برپایان نوشتند" و با "به اسلام رای داده‌ایم".

۷۱۰ صبح میدان فلاح

معموماً در این نوعی از انتخابات خیلی کم استقبال شده بود. نوی مصفلیتی که حزب جمهوری اسلامی با عکس امام سخن کرده تقریباً دست تمام افراد بود. در بسی شوالی که از ۵۲ نفر شد، مصفلی که کاملاً جلب توجه می‌کرد (در مورد افرادی که حدوداً از ۳۰ سال به بالا داشتند و بی سواد بودند) این بود که اینها اصولاً نمی‌دانستند که چرا در این رای گیری شرکت می‌کنند و رای دادن به ۱۰ نفر حزب جمهوری اسلامی هم فقط بر اثر تبلیغاتی بود که به نفع این کاندیداها انجام شده بود و تقریباً همه اینها فکر می‌کردند که این ۱۰ نفر را امام انتخاب کرده و در مورد نوشتن رای هم با خودشان (اینها که سواد داشتند) از روی لیست نوشته بودند. با اینکه برایشان سوسله افرادی که در حوزه بودند نوشته شده بود.

اول صبح در حوزه ۸۷۸

اعلامیه پشتیبانی از مسعود رجوی در آنجا بخش شد و این عمل باعث شد که افراد کمیته با ماشین به تعقیب شخص سخن کننده اعلامیه بپردازند ولی البته نتوانستند وی را بگیرند. در عوض در مقابل بخش شدن اعلامیه حزب جمهوری اسلامی کوچکترین عکس العملی از طرف افراد کمیته نشان داده نشد!

در حوزه غلبان فلاح بکرات دیده شد که به اسم منتخبین امام و رفته‌ای به دستشان داده شد تا به صندوق بیندازند. با وجود اینکه قرار بود رای‌ها مخفی بماند ولی در بسیاری از حوزه‌ها ناظرین و رفته‌ها را از رای دهنده می‌گرفتند و پس از بررسی آن را شخصاً به صندوق می‌انداختند. در یک مورد به نفر از کسانسی که به نیروهای انقلابی رای داده بودند، تعقیب شد. جریان بدین صورت بود که این دوستان پس از رای دادن برای بررسی حوزه‌های دیگر به یک مسجد که محل اخذ رای بود می‌روند که ناگهان توسط پاسداران محاصره می‌شوند و تحت این عنوان که شما می‌خواهید دوباره رای بدهید، آنها را از آنجا بیرون می‌کنند!

حوزه فرح آباد خزانة

اغلب افرادی که برای رای دادن آمده بودند لیست ده نفری حزب جمهوری اسلامی را در دست داشتند و از کاندیداها فقط اینها را می‌شناختند و عنوان می‌کردند که امام گفته حتماً به اینها رای بدهید. پاسداران مستقر در این حوزه آشکاراً تبلیغ حزب جمهوری اسلامی را می‌کردند، بنحوی که انتخابات برای همه در رای دادن به آن ده نفر معنی پیدا می‌کرد. غامضی هنگام رای دادن پرسید که حاجی توی لیست هست؟ پاسداری جواب داد که توی لیست ما نیست (در صورتیکه کاندید نبود ولی در لیست حزب نبود). از سه نفر از خانمهایی که رای داده بودند سوال شد که به چه کسانسی رای داده‌اند آنها گفتند که ما می‌خواستیم شن رای بدهیم ولی افرادی کمیته گفتند که اگر به ده نفر حزب جمهوری اسلامی رای ندهید، شما را به کمیته می‌بریم و افسوس نمودند که قبل از آنها نفری که به کاندیدای حزب جمهوری اسلامی رای داده بود به کمیته برده‌اند!

حوزه ریاط کریم

خانم‌هایی که آنجا بودند اظهار می‌داشتند که دیشب آقای مسجد این لیست را به ما داده (اسمی ده نفر کاندیدای حزب جمهوری اسلامی) و گفته است آقا گفته‌اند که اینها رای دهید و ما هم چون آقا را می‌شناخیم و اینها اسلامی هستند این کار را می‌کنیم.

انتخابات چگونه برگزار شد؟

با نشان دادن اسامی ده نفر (حزب جمهوری اسلامی و یارانش) به افراد بیسواد عنوان می‌کردند که امام گفته به اینها رای دهید!

حوزه کمیته بخارایی

اکثر افرادی که برای رای دادن به این حوزه آمده بودند بیسواد بودند و لیست ده نفری کاندیداها را حزب جمهوری اسلامی در دست داشتند. آنها معتقد بودند که این ده نفر اسلامی و منتخب امام می‌باشند. چهار دختر مذهبی از روی لیست ده نفری حزب جمهوری اسلامی فرم‌ها را بر می‌کردند.

حوزه مسجد صاحب الزمان (شعبه غزانه فرج آباد): یکی از مسئولین اسامی ده کاندید حزب جمهوری اسلامی را می‌نوشت و در صندوق رای می‌انداخت.

قاسم آبادشاهی و چهار دانگه

در این مناطق افراد کمیته از بیسواد و ناآگاه‌های مردم سوا استفاده کرده و فقط ده کاندیدای حزب جمهوری اسلامی را به آنها معرفی کرده و برایشان می‌نوشتند. در اسلام شهر (قاسم آباد شاهی) چهار پنج نفر از سفارداران را ما مور این کار کرده بودند که جلوی همه آنها یک ورقه از لیست کاندیداها را حزب جمهوری اسلامی بود و آنها نیز برای کسانسی که سواد

آیا...

در تقریر

● اوآخر شب چهارشنبه ۵۸/۵/۱۰ سه تن از دانشجویان در منطقه وزیرآباد مشغول سخن و نصب تراکت و اعلامیه بودند که ناگهان با ۴ نفر از عناصر مزدور که مسلح به اسلحه سرد و گرم بوده‌اند مواجه می‌شوند. در پیشاپیش این گروه یک نفر مسلسل بوزی همراه داشت. مهاجمین ابتدا به رفا حمله کرده و آنها را زیرشفت و لگد می‌گیرند و بعد از مدتی بدون توجه به اعتراض‌ها و فریاد رفا که شما چه کسانسی هستید و چرا به این راه می‌روید؟ جوابی ندادند و همراه با فحشهای رزیک و اینکه کمونیست‌ها را خواهیم کشت، آنها را در رزیک ماشین لند رور انداختند و به همراه یک پیکان سفید که بقیه مهاجمین سوار آن بودند بطرف یک نقطه نامعلوم راه افتادند. در دو نقطه شهر اتوبوسها را ایست‌گشتی‌های کمیته ربوی می‌شوند که مهاجمین در جواب می‌گویند که ما کمونیست گرفته ایم و آنها را به کمیته شماره ۳ (که منظورشان تبه‌های بیرون شهر بود) می‌بریم و از آنها عبور می‌کنند. در نزدیکیهای منظریه به شیوه ساواک سه نفر این رفا را به پایش فشار داده تا از شهر خارج شوند و به پشت بیابانهای آپارتمانهای منظریه می‌روند.

پس از مدتی رفا را از ماشین پیاده کرده و شروع به شکنجه آنها می‌کنند. مدت ۳ ریح آنها را زیرشفت و لگد می‌گیرند و رزیک ترین فحشها را نثارشان می‌کنند. یکی از این افراد با خنجر که در دست داشته، دو تن از رفا را که اعتراض‌ها می‌کردند، تهدید می‌کرد که سرشان را می‌برد، مگر شخصی دیگری مانع او شد. در جریان این شکنجه‌ها یکی از رفا بیهوش می‌شود و دوتای دیگر شدت زخمی می‌شوند. مهاجمین پس از رمودن موجودی پول رفا، آنها را به همین حال رها کرده و می‌روند. در وقتی با بدنی خونین و کوفته، رفیق بیهوش را بدوش می‌کشند و بطرف شهر براه می‌افتند و حدود ساعت ۴ نیمه شب به شهر می‌رسند. در رابطه با ماهیت این افراد گفتنی است که سه از حدود یک ماه پیش یکسری گروه‌های مسلح ضد کمونیست شکل گرفته که در ارتباط نزدیک با کمیته‌ها هستند و حتی بعضی از افراد آن جزو کمیته‌ها می‌باشند، که به شناسایی و تعقیب انقلابیون مشغولند.

● در تبریز عده زیادی از هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق را دستگیر و در داخل کمیته شروع به فحاشی و تهدید نمودند. بعد از مدتی توطئه‌ای را طرح ریزی کردند و بعد باصطلاح او را آزاد کردند. در حالیکه در بیرون کمیته، او با شناسایی شده منتظر می‌بوده‌اند. او با شناسایی جان وی می‌افتند و بعد ۱۰ دقیقه مثل توب‌فوتیال زیرشفت و لگد ش قرار می‌دهند... که از ناخوشانه دهان و دندان‌ها به سختی آسیب می‌بیند و چند دندان‌ش می‌شکند...

بقیه نمونه‌ها در یک گزارش شماره ۱۶ مطالعه کنید.

نداشتند رونویس می‌کردند. در این محل بیشتر افراد بدون شناسنامه رای‌های رونویسی شده را در صندوق می‌ریختند!

حوزه میدان امام حسین (فوزیه)

در روز رای گیری در حوزه انتخاباتی میدان امام حسین (فوزیه) - ساختمان پیمه هسای اجتماعی- دونفر از ساظران آن حوزه که از افراد مذهبی مترقی بودند بعد از بررسی اوضاع اعتراض می‌کنند که این انتخابات درست نیست و تقلب می‌شود. این دو ناظر می‌گفتند که "نتیجه انتخابات از قبل مشخص است و به خاطر تاکید آقا و روحانیون اکثراً بدون آگاهی به همان ده نفر کاندیدای حزب جمهوری اسلامی رای میدهند و این انتخابات به هیچ وجه آزاد و دموکراتیک نیست."

افسریه و مسعودیه

علیرغم اینکه گفته شده بود که در روز رای گیری نباید تبلیغات بشود ولی تقریباً جلوی تمام حوزه‌ها اعلامیه اسامی ده نفر حزب جمهوری اسلامی که به "ناشد امام" هم رسانده بودند! دیده میشد و با توجه به عدم شناختی که مردم نسبت به کاندیداها داشتند عملاً از روی آن برای رای دادن می‌نوشتند. در یکی از حوزه‌های مناطق مزبور، زنی که سواد نداشت از یکی از دانشجویان می‌خواهد که فقط نام طالقانی را برایش بنویسد و وقتی زن مزبور برای انداختن رای اقدام می‌کند، مسئول صندوق رای او را می‌خواند و می‌گوید که حتماً باید اسم ۹ نفر دیگر را هم بنویسی!

● گزارش مختصر از حوزه ۳۵:

حوزه رای گیری شماره ۳۷۷ فاز مسجد جامع بازار سواد (بین ساعت ۷ و ۹) حوزه خلوت بود. ۵ - ۴ پاسدار مطلع مراقب اوضاع بودند. در جریان رای گیری تقریباً تمام آرا قبل از ریختن به صندوق دیده میشد. یکی از سوادها که نسبتاً زیاد بودند با سوسله یکی از افراد هیئت نظارت و با سوسله پاسدارها با دیگران راهم‌نای می‌شدند و کاغذهایشان بر می‌شد.

منطقه یاخچی آباد

حوزه انتخاباتی که ما مراجعه کردیم موسسه فرهنگی دکتر شریعتی (فرح سابق) بود. صبح که به آنجا رسیدیم تقریباً دو مصفلیت و جداگانه برای رای دادن دیده می‌شد. در مدخل این حوزه عکس و نام ۱۰ نفر کاندیدای حزب جمهوری اسلامی نصب شده بود. در غود حوزه هم روی میز نام ده نفر نوشته شده بود!

چند گزارش دیگر

● در قلعه حسن خان (نزدیک کاروانسرا سنگی) در دو حوزه رای گیری اسامی کاندیداها را حزب جمهوری اسلامی را بالای صندوق‌های رای نصب کرده بودند. دو نفر هم آنجا ایستاده و شناسنامه افراد بیسواد را گرفته و پس از برگردن لیست به صندوق می‌ریختند.

● در زور آباد کرج، زن کارگری برای رای دادن به محل صندوق می‌رود یکی از ما موران آنجا شناسنامه اش را گرفته و پس از برگردن لیست دلخواه خود، اسم صندوق می‌اندازد که مورد شگفتی و ناراحتی زن میشود.

● در حوزه رای گیری بیمارستان امام خمینی (در جنوبی) فردی روی میز در کنار میز فرم‌انداز نشسته بود که لیستی در جیبش داشت (لیست اسامی ده کاندیدای حزب جمهوری اسلامی) و به بعضی اشخاصی که برای رای دادن می‌رفتند آرا داده و می‌گفت این را بنویس. در یک مورد که فردی به این کارش اعتراض می‌کند، نماینده فرماندار از آن شخص حمایت کرده و می‌گوید: انتخابات کاملاً آزاد است و این آقا اهل این حرف‌ها نیست!

در ضمن جلوی صندوق لیست کاندیداها را جمهوری اسلامی بصورت برجسته‌ای چشم می‌خورد.